

زندگی در شعر حافظ

پریا حضرتی

دانشجوی دکتری زبان شناسی شناختی پژوهشکده عالی علوم شناختی

چکیده

هدف من یافتن معنی زندگی است. به این منظور پرسشی را مطرح کرده ام و هم چنین به یافتن معنی در شعر حافظ پرداخته ام.

ابیاتی از غزلیات حافظ را بررسی کرده و معنی زندگی را مورد بررسی قرار داده ام.

به قول حافظ، غلام همت آنم که زیر چرخ کبود ... ز هر چه رنگ تعلق پذیرد آزاد است

مگر تعلق خاطر به ماه رخساری ... که خاطر از همه غم ها به مهر او شاد است.

کلمات کلیدی: زندگی، حافظ، شعر

مقدمه

همواره چپستی زندگی مطرح بوده است. برای یافتن معنی زندگی پرسشی را به شرح زیر مطرح کردم:
چه باوری (یا چه کسی) شما رو برای همیشه توی زندگی زنده و سرپا نگه می داره؟، پاسخ ها عبارت اند از:
من به وجود یک آفریننده اعتقاد دارم و معتقد ام رشد در تلاش و ساختن و حرکت رو به جلومعنی میشه،
الله،

زندگی مثله پسر ميمونه. البته پول هم هست جوابم
پسر م.

باور به اینکه روز خوب حتما میاد،

زندگی من متاسفانه خیلی سخت گذشته از خیلی ها خیلی چیزا دیدم که حتی باورشم سخت

بنظرم توی زندگی هیچ کس جز خودم منو سر پا نگه نداشت

من خودم محکم و قوی ام

فقط من میتونم باعث موفقیت خودم بشم،

خداوند، خانواده، عشق،

فکر به خدا و خانواده

زندگی چیز جالبی برا بعضی از انسانها نیست،

امام حسین،

باور به خوبی

انسان و کلا افرینش ذاتا خوب هست و یک روزی همه موجودات مخصوصا انسان متوجه میشن که خوب بودن سخت نیست و طبیعتا دنیا جای زیبا تری خواهد شد این باور منو به زندگی امیدوار نگه میداره امیدوارم شب تیره انسان مدرن خیلی زود صبح بشه

امید، امید به خدا.

حال به بررسی معنی در شعر حافظ می پردازم:

غلام همت آنم که زیر چرخ کبود ز هر چه رنگ تعلق پذیرد آزاد است

مگر تعلق خاطر به ماه رخساری که خاطر از همه غم ها به مهر او شاد است (حافظ، ۱۳۹۸)

و یا

دوست دارم چند مورد از رخدادهای عجیبی را که تحمل کردم، برایتان بازگو کنم. ما نمی توانستیم دندان هایمان را مسواک کنیم و با وجود کمبود ویتامین زیادی که داشتیم، لثه هایمان از همیشه سالم تر بود (فرانکل، ۱۳۹۹).

بیتی از حافظ در خاطر آمد که:

در عین ناتوانی هم چون نسیم خوش باش بیماری اندرین ره خوش تر ز تندرستی

تا فضل و عقل بینی بی معرفت نشینی یک نکته ات بگویم خود را مبین که رستی (حافظ، ۱۳۹۸)

یا در شعری از رابرت لویی استیونسن^۱ داریم:

¹ .R.L Stevenson



زندگی دلخواهم را به من دهید

و من دیگر چیزی نخواهم خواست،

همین آسمان شاد و سرخوش بالای سر

و همین کوره راه صحرایی در زیر پای؛

بستری از علف ها و بوته ها، برای خفتن

و آسمان پرستاره شب برای نظاره

و نان خشکی که در آب تازه کنم؛

این است زندگی دلخواه من،

این است آنچه تا پایان زندگی می جویم.

بگذار آن واقعه مرگ زودتر رخ دهد،

بگذار هر چه خواهد بر من بگذرد؛

همین چهره زمین در پیرامون

و همین جاده زیرپای مرا بسنده است.

ثروت را نمی جویم

و نه امید را

و نه عشق را

و نه دوستی که مرا بشناسد.

همین آسمان بالای سر

همین جاده زیر پای مرا بسنده است.

همچون غریبی خودرای از معبر هستی می گذرم.

جایگاهم جهان بی خرگاه

و معشوق من همان راه

و همراه من همان برق

در چشم خطرهای ناگاه (الهی قمشه ای، ۱۳۹۸).

هنر نمی خرد ایام و بیش از اینم نیست کجا روم به تجارت بدین کساد متاع (همان)

اما دلداری و تسلائی حافظ برای خود و با همه هنرمندان این است که اگر ایشان حجله هنر خویش را به تمام و کمال بیارایند بی آنکه در سودای حسن فروشی باشند، هزاران داماد به خواستگاری آثارشان خواهد آمد چنان که والٹ ویتمان با آنکه روزگار مساعدی نداشت چنان عروس شعرش را جمیل برکشید که امروز در سراسر جهان میلیون ها خواستگار و ستایشگر در آستانه شعر او ایستاده اند (همان).

نتیجه

معنی زندگی بنابر شعر حافظ همان زندگی ست و ماه رویان موجب شادی آن هستند .

منابع

- الهی قمشه ای، حسین محی الدین . ۱۳۹۸. سیصد و شصت و پنج روز در صحبت حافظ . انتشارات سخن
- حافظ، شمس الدین محمد. ۱۳۹۸ . دیوان حافظ. تصحیح و پیشگفتار حسین محی الدین الهی قمشه ای. نشر گویا
- فرانکل، ویکتور. ۱۳۹۹. انسان در جست و جوی معنا. ترجمه مریم حسین نژاد. نشر سنگ